



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۴ / ۱۰ / ۰۷

یونس نگاه

پیمان ابراهیم صلح نیاورد، توافقنامه دوحه نیز شکننده است

در سال ۲۰۲۰ از شمال افریقا تا افغانستان گفتگوی صلح، مذاکره و تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط بهره‌ری ایالات متحده اوج گرفته بود. صدای انفجار و انتحار هنوز شنیده می‌شد، عساکر و جنگجویان طرف‌های درگیر هنوز در میدان بودند، ولی به‌نظر می‌رسید که میله‌های تفنگ کم‌کم سرد می‌شوند. در همان سال دو توافقنامه بسیار مشهور از سوی امریکا در تلاش برای توقف منازعات خونین خاورمیانه و افغانستان امضا شد. یکی به‌تاریخ ۲۹ فبروری با طالبان امضاء شد و عنوانش «موافقت‌نامه آوردن صلح به افغانستان» بود. دیگری «توافقنامه صلح پیمان ابراهیم» بود که به‌تاریخ ۱۵ اگست همان سال بین اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده امضا شد. عده‌ای این توافق‌نامه‌ها را محصول دیپلماسی ترامپ می‌خواندند، ولی اتفاقات پس از آن نشان داد که هر دو توافقنامه حاصل تغییر ستراتیژیک در برخورد امریکا و متحدانش با منطقه خاورمیانه بزرگ بود و حکایت از تلاش آنان برای خاک‌پوشی منازعات خاورمیانه و انتقال نیرو و منابع به دو محراق دیگر منازعات جهانی داشت: جنوب‌شرق آسیا و شرق اروپا.

امریکا و متحدانش گویا با ضرب‌الاجل تازه‌ای روبرو بودند و باید به‌هر قیمت تنش‌های جاری در خاورمیانه و افغانستان را موقتاً کاهش می‌دادند، از همین‌رو تن به سازش‌های به‌ظاهر پرهزینه می‌دادند. از تلاش برای سرنگونی دولت اسد دست کشیده بودند، نفوذ ایران را در عراق دیگر مثل گذشته به‌چالش نمی‌کشیدند، در مصر و لیبی و سودان نیز برای تثبیت اوضاع می‌کوشیدند و از مواجهه مستقیم اجتناب می‌ورزیدند.

پیمان ابراهیم در این میان، چون توافقنامه قرن تبلیغ می‌شد. عنوان توافقنامه که نام نیای مشترک اعراب و یهود بر آن گذاشته شده حکایت از رویکرد بلندپروازانه برای حل منازعه دیرینه‌ای داشت که از جنگ‌های صلیبی قرون وسطی تا امروز از پیروان سه دین مشهور ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهود) قربانی گرفته است. توافقنامه صلح پیمان ابراهیم به‌طور نمادین بین سه کشور اسلامی (امارات متحده عرب)، عیسوی (ایالات متحده) و یهودی (اسرائیل) امضا شده بود ولی مبلغان، آن را آغاز حرکت تاریخی می‌خواندند که به‌زودی حمایت کشورهای زیادی را جلب خواهد کرد. نسخه بحرینی توافقنامه ابراهیم به‌تاریخ ۱۵ سپتامبر آن سال امضا شد و از همان الگوی توافقنامه با امارات متحده عربی پیروی می‌کرد. پای هر دو توافقنامه وزیر خارجه یک کشور عربی، و رییس‌ان دولت اسرائیل و امریکا امضا کرده بودند که حکایت از تردید عرب‌ها و تاکید امریکا و اسرائیل داشت.

خلاف توافقنامه‌های معمول عصر ما که در آن‌ها به منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مشترکات بشری استناد می‌شود، در پیمان ابراهیم از خون‌شریکی اعراب و اسرائیل و مشترکات عقیدتی مسلمانان، یهودیان و عیسویان سخن رفته بود. در آن پیمان نوشته شده بود که مردم عرب و اسرائیل فرزندان نیای مشترک شان ابراهیم اند و امضاکنندگان توافقنامه می‌خواهند شرایط هم‌زیستی مسلمانان، یهودیان، عیسویان و پیروان سایر ادیان را فراهم سازند.

قرار بود سودان، عمان و عربستان به‌زودی به این پیمان بپیوندند و خاورمیانه تازه‌ای سر برآورد که به‌جای نفت و باروت و استبداد، خیرهای فستیوال، ورزش، آزادی و پیشرفت‌های تکنالوجیک از آن مخابره شود. در ماه‌های نزدیک به اکتوبر ۲۰۲۳، عربستان سعودی و ولیعهد عجل و بلندپروازش سرخط خبرها بودند و در کنار فستیوال‌های کم‌پیشینه موسیقی، مسابقات فوتبال و تعهدات سرمایه‌گذاری‌های نجومی در صنایع غیرنفتی، گزارش «پیشرفت‌های» عربستان و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با خوش‌بینی بسیار در رسانه‌ها مطرح می‌شد.

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

«جنگ تمدنی» و منازعات بر سر حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان و «مبارزه» با استبداد، حداقل به روایت صفحات برخی روزنامه‌های مشهور و میزهای دیپلماتیک، از خاورمیانه و افغانستان کوچیده بود و این منطقه به «نیای مشترک»، ارزش‌های دینی و سنت‌های قبیله‌ای واگذار شده بود. در افغانستان سیاست‌های ضدبشری طالبان دیگر واکنش‌چندانی بر نمی‌انگیخت و بستن مکاتب، تبعیضات آشکار، محاکمات صحرایی، درمکاری در میدان‌های ورزشی و فسخ آزادی‌های حداقلی مدنی چون انتخاب شیوه عبادت، لباس، طرح مو و طول ریش واکنش خشم‌آلود جامعه بین‌المللی و «مدافعان» دموکراسی را در پی نداشت. در کشورهای عربی نیز دیگر از «بهار» و «قیام‌های مردمی» در برابر حاکمان غیرانتخابی و مستبد خبری نبود. در عوض «کمپاین آزادی و دموکراسی» به حاشیه‌های چین و روسیه انتقال یافته بود و قرار بود در تایوان از سنگر نظام دموکراتیک با چنگ‌و‌دندان دفاع شود و در اکرین «جهان آزاد» در برابر «دنیای استبدادی» مصاف دهد.

نه پیمان ابراهیم حاصل توافق جوامع عرب با اسرائیل و آمریکا بود و نه توافقنامه دوحه حاصل گفتگوی مردم افغانستان با طالبان و ناتو برای صلح بود. پیمان ابراهیم در قصر سفید امضا شد و توافقنامه دوحه نیز در یک کشور خارجی و بدون حضور نمایندگان مردم یا دولت افغانستان امضا گردید. فاجعه ۷ اکتوبر و فجایی که پس از آن اتفاق افتاد ثابت کرد که «پیمان تمدنی» را نمی‌توان مثل انشای مکتب در اتاق بسته نوشت، و صلح میان پیروان ادیان ابراهیمی را با روایت غیرمدنی نژادمحور و تاکید بر نیای مشترک نمی‌توان برقرار ساخت. صلح واقعی با تامین عدالت و مشارکت مردم میسر می‌شود. تا زمانی که حاکمان مستبد و حکومت‌های غیرانتخابی در خاورمیانه با پول نفت و تسلیحات غربی طرف اصلی گفتگوها باشند و مردم این منطقه خود را محروم، فاقد رای و آزادی، سرکوب‌شده و در خطر احساس کنند صلح در خاورمیانه برقرار نخواهد گردید.

وطن ما نیز با توافقنامه‌ای که بین یک گروه تروریستی و آمریکا امضا شده، در برزخ حاکمیت غیررسمی طالبان متوقف گردیده است و هر لحظه احتمال می‌رود فاجعه‌ای رخ دهد، رشته‌های «صلح» کاغذی پنبه شود، و چرخ جنگ دوباره به راه افتد.

در پایان امروز، ششم اکتوبر ۲۰۲۴، هنگام نوشتن این متن، وضعیت خاورمیانه چنان شکننده است که نمی‌دانیم تا فردا وقتی مقاله را می‌خوانید آتش جنگ تا کجا شعله کشیده و دامن امارات متحده عربی، بحرین و سعودی-ستاره‌های اصلی پیمان ابراهیم- را نیز گرفته است یا خیر؟

درس اتفاقات یک‌سال اخیر خاورمیانه برای مردم افغانستان این است که توافقنامه دوحه را مبدایی برای دور تازه تاریخ سیاسی کشور ندانیم و تصور نکنیم که طالبان برای مدت طولانی از حمایت قدرت‌های منطقه و جهان برخوردار خواهند بود، و برزخ امارتی گرفتار توفان نخواهد شد. برای احتمال برهم خوردن این سکوت طالبانی آماده باشیم.

آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین